

خبر

درباره ملاقلی پور که سردار بی‌مثال سینمای جنگ بود

یکه سوار



سعید مروتی *

با گذشت حدود ۱۴ سال از درگذشت رسول ملاقلی‌پور حالا دیگر می‌شود با قاطعیت گفت او سردار بی‌مثال سینمای جنگ بود.

سینماگری که در این سرزمین مشابه نداشت و ندارد.

با وجود تأثیری که رسول ملاقلی‌پور بر سینماگران نسل بعد از خودش گذاشت (مثل بهرام توکلی در «تنگه ابوقریب») سینمای او دست نیافتنی و تکرار نشدنی باقی ماند.

سفر به چذابه، نجات یافتگان، هیوا، قاچ سمی و مزرعه پدری یادگارهای بی‌تکرار سینمای ایران از ۸ سال دفاع مقدس، همچنان در قله هستند و دست نیافتنی. بهترین لحظه‌های جنگی نفس‌گیر و تأثیر گذارترین فصل‌های دلبری بهترین فرزندان این سرزمین برای دفاع از وطن را در سینمای گرم و پر احساس او دیدیم.

در این سال‌های فقدان ملاقلی پور، سینمای جنگ به لحاظ امکانات (چیزی که او به سختی به دستش می‌آورد) و تکنیک (که تسلط و چشمگیری بر آن داشت و خوب می‌دانست چگونه خاکریزی که زیر آتش دشمن است را به تصویر بکشد و شب عملیات را جوروی دکوپاژ کند که تماشاگر خود را در میانه آتش و خون ببیند) پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای داشته و حتی نگاه ملاقلی پور به جنگ در این سال‌ها به فیلم‌های دیگر تسری یافته است. آنچه غایب است امضای شخصی است و فردیتی که فیلم‌های رسول ملاقلی‌پور را با تمام تفاوت هایشان به یکدیگر پیوند می‌داد. فیلم‌های دوره اول فیلمسازی ملاقلی‌پور با تمام خام دستی‌هایشان، انعکاس صادقانه درک و دریافت او از جنگ بودند. فیلم پارتیزانی بلمی به سوی ساحل و فیلم حماسی و قهرمان پردازانه افق همان قدر برخاسته از دل فیلمساز بودند که فیلم تلخ و تراژیک پرواز در شب.

ملاقلی‌پور در حیطه‌ای بی‌الگو و بدون پشتوانه فیلم ساخت. همه تجربه سینمای ایران از فیلمسازی جنگ در تکرار الگوهای فیلم‌های خارجی خلاصه می‌شد، که خوب یا بد، ربطی به جنگی که ملاقلی پور از نزدیک دیده بود نداشت. اگر قائل به این موضوع باشیم که سینمای دفاع مقدس، ژانر اختصاصی سینمای پس از انقلاب است، رسول را باید یکی از معماران اصلی و آغازگر این ژانر بدانیم. سینمایی که با فیلم‌های او شناسنامه پیدا کرد و سال‌ها نادیده گرفته شدن، بی‌مهری و کم توجهی هم مانع تلاشش برای ارتقای این ژانر نشد.

ملکیب دیرپای قریحه فیلمسازی و تنفس در فضای جبهه در رسول ملاقلی‌پور به تمامی حاضر بود. اغلب فیلمسازان سینمای جنگ، یا اولی را نداشته یا کمتر داشته‌اند، یا از دومی بی‌بهره بوده‌اند. از دل ترکیب قریحه ناب و تجربه هم نفسی و همسنگری بازمندگان است که شاهکاری چون سفر به چذابه خلق می‌شود. اینکه فیلمسازی با کمترین اطلاع از مبانی جریان سیال ذهن، منسجم‌ترین روایت سینمای ایران را مبتنی بر این جریان بنا کند، نشانه‌ای است آشکار از قریحه‌ای ناب و منحصr به فرد. اندوه ملاقلی‌پور بر از دست رفتن فرزندان ایران، دفاعش از مبانی و خشمش علیه ریاکاری، از اصالت نگاهش می‌آید. فیلم‌هایش امضایی شخصی دارند و برخوردار از کاربزمای خالقشان و بهرمنند از حس و حالی صادفانه در هنگامه خلق که چنان سندهای تصویری قابل اتکا و باورپذیر از ۸ سال دفاع باقی مانده‌اند و گرد کهنگی به پیکرشان نبسته‌اند است.

حدود ۱۴ سال از درگذشت رسول ملاقلی‌پور گذشته و او همچنان

زنده‌ترین فیلمساز سینمای جنگ است.

***روزنامه‌نگار**

●●●●●

«مخاطب دوست داشتنی من» به جشنواره بین‌المللی راه یافت

بخش فرهنگی – فیلم کوتاه «مخاطب دوست داشتنی من» که کارگردانی و تهیه کنندگی معصومه خزایی و نویسندگی سولماز اعتمادی در بخش رقابتی جشنواره بین المللی WE CARE»هند پذیرفته شد.

فیلم کوتاه اجتماعی «مخاطب دوست داشتنی من» روایت ساده‌ای از یک عشق در یک نگاه است که پیش از این به جشنواره سینه بوتCINEBOOTH لندن راه یافته بود.

جشنواره WE CARE» که یکی از بزرگترین جشنواره‌ها در نوع خود است که هرساله با هدف افزایش آگاهی در مورد مسائل مربوط به معلولیت، برطرف کردن تصورات غلط و تعصبات در مورد افراد معلول و ایجاد تغییرات نگرشی و رفتاری برگزار می‌شود.

معصومه خزایی که با پنجمین تجربه فیلمسازی‌اش در این جشنواره حضور دارد، دانش آموخته فیلمسازی و تدوین است.

حمیدرضا فراهانی، صغورا خوش طبعیت، میلاد مرتضوی، امید گلیلیگانی، نیلوفر کریمی، اسماعیل خزایی، محمد صدرا حسینی و علی شکرزاده از بازیگران این اثر هستند. سایر عوامل این فیلم عبارتند از نگار پناهی(مدیر برنامه ریزی و دستیار اول کارگردان)، گل کوشان(منشی صحنه)، مهدی شیردل(مدیر تولید).

●●●●●

بازیگر سریال «هم‌گناه» به شبکه ماهواره‌ای پیوست

بخش فرهنگی – آیتک جاویدنژاد، بازیگر سریال «هم‌گناه» ویدئویی منتشر کرد که نشان می‌دهد کشف حجاب کرده و به یک شبکه ماهواره‌ای فارسی‌زبان پیوسته است.

آیتک جاویدنژاد با پایان یافتن پخش سریال هم‌گناه از شبکه نمایش خانگی ویدئویی در اینستاگرام خود منتشر کرد که نشان می‌دهد کشف حجاب کرده و به یک شبکه ماهواره‌ای پیوسته است.

جاویدنژاد در این سریال نقش الناز را بازی می‌کند که دوست شخصیت نیکی است.

سریال هم‌گناه به کارگردانی مصطفی کبیایی و نقش‌آفرینی بازیگران سرشناسی همچون پرویز پرستویی و هدیه تهرانی، از سریال‌های محبوب و پرطرفدار شبکه خانگی بود که دوشنبه این هفته قسمت پایانی‌اش پخش شد.(همشهری آنلاین)

{فرهنگ و هنر }



صعود و سقوط بلبل در «پلکان» اکبر رادی

احمد مایل*

نمایشنامه «پلکان»، اثر یکی ازبزرگ‌ترین نمایشنامه‌نویسان معاصر؛ یعنی اکبررادی ضمن بازگویی وضعیت جامعه ایران در دوره حساسی از تاریخ، صعود و سقوط شخصیت اصلی را روایت می‌کند.

نمایشنامه پلکان درباره صعود و سقوط مرد جوانی به نام بلبل است که کارش دوره‌گردی است. درپرده اول با نام آن شب بارانی بلبل در پی ثروتمند شدن، گاو «آقا گل» را می‌دزدد و می‌فروشد و ۳۰۰ تومان عایدش می‌شود.

مشدی آقا درتوصیف بلبل می‌گوید: «یه روز ماهی چانچو می‌زنی می بری جمعه بازار، یه روز با دوچرخه مسافرکشی می‌کنی، یه روز برای صید راه می افتی می‌ری کپول چال، یه روز پشت رُل می‌شینن مانور می‌دی، یه روزم مث کوچ می‌افتی تو این دشتکی و دکون مرده‌ک را تاپاله بارون می‌کنی! دیگه چی بگم؟ آخرشم همین یه طبق تمشکه دیگه… یه جا قرار نداری که».

اکبر رادی از ابتدای نمایشنامه بلبل را مردی حریص و دزدنشان می‌دهد، آقا گل که دزدی گاوش برایش حیرت آور است، زندگی‌اش را ویران‌شده می‌بیند. مشدی آقا فقط دلسوزی گاو را می‌کند، جایی که می‌گوید: گاو، بابا، کارگر گیله مرده، مگه شوخیه؟ شب گاو را ببرِی طولیله، طناب بندازی، بخوابونی، خشک کنی، اما خروس خون پاشی ببینی ای داد و بی‌داد، گاوت رو واگردن،

اونم چه گاوی، گاو میش.

بلبل: …شرف ندارن که.

در اینجا بلبل با زرنگی، خودش را به اصطلاح به موش‌مردگی می‌زند و در بحث با کیله دایی، یقناش را می‌گیرد و به او می‌گوید: نیبمنم دیگه جلو این … واسه من قیافه بیای، من شاهرگ شو می‌زنم، که بهم بگه بو می‌دی.

از اولین پله‌های ترقی تا رسیدن به سقوط

درپرده دوم با نام در انتهای مه بلبل، دکه جگرگی راه می‌اندازد و اولین پله ترقی را می‌پیماید، او با هر پیروزی که به دست می‌آورد، رفتار، کردار و نحوه سخن گفتنش تغییرمی‌کند. در این پرده مشخص می‌شود بلبل عاشق بمانی خواهر میرحسین بوده و بمانی به خاطر اینکه بلبل او را از خود می‌راند، خودکشی می‌کند.

در پرده سوم با نام زمستان شهر ما بلبل مغازه موتورسیکلت فروشی را با کمک حاج عمو راه‌اندازی و راهش را به سوی پله‌های ترقی هموارمی‌کند، این مغازه سرمایه‌ای برای او به ارمغان می‌آورد. یکی از کارگراهیش یعنی اسکندر برای بیماری همسرش از او ۵۰۰ تومان طلب می‌کند، اما بلبل نمی‌پردازد و همسر اسکندر می‌میرد. در این پرده شاهدیم که تمام شخصیت‌ها تلاش می‌کنند سر فرد دیگری کلاه بگذارند.

بخش فرهنگی – کتاب «تاریخی‌نگری موسیقی ایران» با عنوان فرعی «موسیقی‌شناسی قومی»، نوشته محسن حجاریان طی چهارده جُستار، موسیقی ایرانی را از نظر نگاه قوم‌شناسی، جامعه‌شناسی و تاریخی بررسی می‌کند.

قرار است سراغ موسیقی‌شناسی قومی برویم. از آنجا که سه پدیده سازنده سرگذشت انسان؛ یعنی جامعه و فرهنگ و تاریخ، همه با سرنوشت موسیقی گره خورده‌اند و چون جامعه جایگاهی است که موسیقی در آن آفریده می‌شود و پرورش می‌یابد و به پاره‌ای از فرهنگ مبدل و سپس به دست تاریخ سپرده می‌شود و تاریخ آن را دگرگون می‌سازد، بررسی این‌گونه از موسیقی اهمیتی دیگرگون دارد. فراموش نمی‌کنیم موسیقی این مردمان از زوایای بسیار از کهن‌شناسی تا رابطه زبان و ادبیات و شعر و رقص و افسانه و اساطیر و عزا و شادمانی و درعین‌حال حالات روحانی، همه در محتوای فرهنگ و تاریخ و جامعه تنیده شده است.

اما حالا باید بدانیم چرا مهم است درباره موسیقی‌شناسی ایرانی بدانیم. این همان پرسشی است که محسن حجاریان، در کتاب تاریخی‌نگری موسیقی ایران درصدد پاسخ به آن است.

این کتاب دربرگیرنده چهارده گفتار درباره مباحث تاریخی و تحلیلی موسیقی دستگاهی ایران از تشریح روابط موسیقی ایران با حوزه عرب و ترک تا تحلیل مفاهیم و بازخوانی تعاریف صوت و نغمه در آثار فارابی، ابن‌سینا، صفی‌الدین ارموی و قطب‌الدین است. محسن حجاریان همچنین با غور و تفحص در چند اثر مهم تاریخی شامل تاریخ بیهقی، تاریخ جهانگشای جوینی و سفرنامه خواجه غیاث‌الدین از دریچه موسیقی‌شناسی تاریخی، روایتی خواندنی و در عین حال روشن‌گر از موسیقی عصر غزنوی و خراسان بزرگ و عصر ایلخانی و سرزمین‌های چین و ایغور در عصر تیموری به دست می‌دهد و به این ترتیب علاوه بر محتوایی نو در مطالعات تاریخی موسیقی ایرانی، شیوه و روش تازه‌ای در موسیقی ایران نیز ارائه می‌کند.

در این کتاب همچنین موضوعاتی بدیع در موسیقی‌شناسی تاریخی همچون مساله تشیع تاریخی و موسیقی دستگاهی با نگاهی بر عصر ایلخانیان تا دوران معاصر و اثر متقابل اندیشه شیعی در موسیقی دستگاهی واکاوی شده است. در مباحث جامعه‌شناسی تاریخی این کتاب نیز دیدگاه‌های ماکس وبر جامعه‌شناس نام‌دار آلمانی درباره موسیقی ایران نقد و ارزیابی و در مقاله‌ای دیگر ولگارینسن، بت‌وارگی و کلایی شدن موسیقی ایران تحلیل شده است. کتاب تاریخی‌نگری موسیقی ایران، پرده‌های دیگری از پنهانی‌های تاریخ فرهنگی ما را کنار می‌زند. پراکنش موسیقی در گستردهی سرزمین‌های



پرده چهارم با نام آفتاب برای سلیمان، بلبل موفق می‌شود با دختر حاج عمو ازدواج کند و شاد و خندان روی آخرین پله پیروزی گام بردارد… دراین پرده، همسر بلبل رونمایی می‌شود. او مدام در فکر خرید وسایلی است که زیاد مورد طبع بلبل نیست و پارها او را سرزنش می‌کند. در ادامه بلبل درفرمانیه خانهای ویلایی می‌خرد و همه آنجا زندگی می‌کنند.

در پرده پنجم سعید، پسر بلبل که از خارج آمده و دو نفر از دوستانش همراه او هستند از ماندن در رشت خودداری می‌کند و می‌خواهد به خارج برگردد. بلبل مخالف است و دختری را برای ازدواج او درنظر گرفته است. دختری که هم زیباست و هم ثروتمند. افول بلبل آرام آرام از این پرده آغاز می‌شود. بلبل شرکت ساختمان سازی‌اش را در رشت برپا می‌کند، او که با دخترحاج عمو ازدواج کرده روز به روز بر ثروتش افزوده می‌شود. دراین پرده، بلبل، سلیمان (کارگرس) را به جرم بستن راه آب و همکاری با عده‌ای از کارگران که جزء لیست سیاه بلبل هستند را در سرویس بهداشتی زندانی می‌کند و به کارگران اجازه کارنمی‌دهد.

اما پلیس بلبل را که به مافوق آنها رشوه می‌دهد دستگیر می‌کند. حاجی نور دست‌شازنده بلبل یکی، یکی کارگران شورشی را معرفی می‌کند و در نهایت بلبل همینطور که به سوی سعادت پیش می‌رود راه انقراضش را هم به ارمغان می‌آورد.

روایت صعود و سقوط

پلکان نمایشنامه‌ای تراژدی و اجتماعی است. بلبل شخصیت اصلی نمایشنامه، با مهارتی که نویسنده به او می‌دهد و زرنگی‌های خودش، راه به ثروت رسیدن را طی می‌کند. دراین تراژدی، در هر پرده یک نفرکشته می‌شود و بلبل درمرگ انسان‌ها سهیم است. بلبل لحظه به لحظه به ثروت می‌رسد و در هر پرده، افول بلبل به‌سادگی پدیدار می‌شود. پلکان، حکایت آدم‌های تازه به دوران رسیده‌ای است که سردمدارشان – بلبل – است.

در پلکان، صعود و سقوط و فاصله طبقاتی انسان‌ها مطرح می‌شود. حاج عمو که دو دختر در خانه دارد غصه‌دار آنهاست که چرا شوهر برای دختر بزرگ‌ترش نمی‌آید، دختر بزرگش به خاطر نقصی که در چهره دارد، خواهان ندارد اما خواهر کوچک‌تر با وجود خواستگارهای متعدد، شرط ازدواجش را ازدواج محترم (خواهر بزرگ‌تر) دانسته است.

اکبر رادی، با تبحر گره نمایشی نمایشنامه پلکان را در دو مورد منعکس می‌کند: ازدواج محترم و ثروتمند شدن بلبل. بلبل بازیگری قاعده بازی را می‌داند و به‌راحتی راه خود را بازی‌می‌کند. بلبل در اوج ثروت، با شورش

کارگران، پایه پله‌های پیروزی‌اش به لرزه می‌افتد. با وجود آنکه بلبل به سردمداران وحفاظان سرمایه (یعنی رئیس پلیس) با نیروی قهریه کارگران را سرکوب می‌کند.

در پرده دوم، حاج عمو که یکی از ثروتمندان روستاست حال و هوای خود را چنین توصیف می‌کند: خیلی پرتی مشتی بلبل جان، کلوچه پزی، جگرکیه مگه؟ فقط یه رقم پنج تا کارگر دارم. خلیفه، وردست، سه تا پادو… اذان مغرب که می‌شه، عین سگای ته شب میان دخل من رو دوره می‌کنند. از اون ور، تکون می‌خوری از رشت واسه ما مهمون می‌ی آد، همچنین جا خوش می‌کنن که چی بگم، بعدشم خب دیگه، بچه‌ها به عرصه می‌رسن. این یکی دستکش چرمی و پوتین و گالوش می‌خواد. اون با دوچرخه باید بره مدرسه. این دوتام که غریبه نیستی، رسیدن و کنج خونه موندن، بعد از همه اینا نوبت عیاله که هرچی درمی‌آرم ، می‌بره خرد و ریز می‌خره که مثلا جهیزیه این دو تا صبیبه ما رو جورکنه.

حاج عمو جزو طبقه متوسط جامعه است. تماشاگر به جای تنفر از او با آنها همدرد می‌شود، برای همین با ازدواج بلبل و محترم، اعلام موافقت می‌کند. نمایشنامه پلکان، دوره تاریخی حساس در تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی ایران از سال ۴۰ تا ۵۷ را به تصویرمی‌کشد. پلکان، در رده نمایشنامه‌هایی است که شخصیت را با نقش یکی می‌کند و بلبل را قابل باور می‌سازد. لحظه‌هایی از زندگی بلبل را با احساس تماشاگر درهم می‌آمیزد. بلبل همذات با تماشاگر و همسو با تفکراتش، فقط ثروت را طالب است. حالا با هر قیمتی که شده است.

نشانه‌های تکنیک استانیسلاوسکی در پلکان

تماشاگر نمی‌داند برای بلبل دل بسوزاند یا او را شماتت کند. همذات شدن بلبل با نقشش، احساس، تمرکز و ترفندهای قابل باور، بلبل را به شخصیتی ظالم بدل می‌کند. این تفکر بلبل که به ثروت اندوزی ومرگش می‌انجامد، برای خواننده نمایشنامه، نفرت از اعمال بلبل را در پی دارد. رابطه فقر بلبل با ذات محقرانه‌اش درگنجایش احساس تماشاگر نقش دارد.

استانیسلاوسکی می‌گوید: «هراثر دراماتیک ممکن است درونمایه محکمی داشته باشد اما با این وجود انتظارات صحنه را افتاح نکنند. برای صحنه هم قوانین علمی وضع نشده است و باید درحین عمل و تمرین، صحنه و خواسته‌هایش را حس کرد و فهمید. بنابراین ما برای هنر صحنه، قاعده و دستور و گرامر نداریم.»

نمایشنامه پلکان، قواعد زیر را برای کمک به بازیگر درون خود دارد:

شخصیت های نمایشنامه پلکان متکی بر محرکه اشتیاقی، روح نقش، زندگی ظاهری و روابط نقش با یکدیگر هستند.

موضوع نمایشنامه، احساس و درک مشترکی را که باید در نقش باشد به عملی برای درک همدردی و همذات پنداری نقش بدل می‌کند.

شخصیت‌های نمایشنامه تنیده شده درگذشته، حال و آینده هستند.

بلبل از آنجاکه دکه جگرگی را اداره می‌کند تا پایان نمایشنامه که پیمانکار ساختمان می‌شود تبدیل به گرگی شده که حاضراست مخالفانش را قطعه‌قطعه می‌کند ولی ثروتش را از دست ندهد. او عاشقانه با العاس‌های اش بازی می‌کند و این حالت تا لحظه پایان زندگی‌اش ادامه دارد. یحیی که نماد تمام انسان‌هایی که بلبل باعث مرگشان شده است، از آوردن قرص‌های بلبل امتناع می‌کند و مرگ بلبل پایان تراژدی است که فقر و ظلم را کنارهم فرامی‌دهد. یکی ازبهترین اجزاهای این نمایشنامه به کارگردانی هادی مرزبان صورت گرفته است.

اکبر رادی از آغاز تا سال ۱۳۸۶

رادی در سال ۱۳۳۵ نخستین داستان با عنوان موش‌مرده را در روزنامه کیهان چاپ کرد. داستان‌های بعدی اکبر رادی، مسخره و افسانه دریا چاپ نشدند. داستان باران اولین اثر تفکرانگیز این نویسنده است که برای او جایزه اول مسابقه روزنامه اطلاعات را آورد.

روزنه آبی، نخستین نمایشنامه اکبر رادی بود که درسال ۱۳۴۱ چاپ شد. در همین سال ها او با احمد شاملو، جلال آل احمد و شاهین سرکیسیان آشنا شد و همین آشنایی و ارتباط، تحول شگرفی درآینده او به وجود آورد. اکبر رادی در سال ۱۳۴۰ معلم و با گروه ادبی طرفه آشنا شد. اعضای این گروه نادر ابراهیمی، احمدرضا احمدی، جمیله صدری، مریم جزایری، محمدعلی سپائلو، ناصرشاهین پُر بودند.

نمایشنامه‌های افول، شب روی سنگفرش خیس، هاملت با سالاد فصل، خانمچه و مهتابی، لبخند با شکوه آقای گیل، تانگوی تخم مرغ داغ، آهنگ‌های شکلاتی، شب بخیرآقای کنت، کاکتوس، منجی درصبح نمناک، صیادان، درمه بخوان و آهسته با گل سرخ دیگر آثار رادی هستند.

***نویسنده و کارگردان تئاتر**

تاریخی‌نگری موسیقی ایران؛ از تاریخ بیهقی تا جهانگشای جوینی

نقشه جغرافیایی تهیه نشده، بلکه هنوز تعریفی از مد، ملودی، قوم، اقوام و فرهنگ نیز در دست نداریم. موسیقی‌شناسی قومی ایران مفاهیم و مقولات (تانگوری‌ها) را شناسایی و دسته‌بندی نکرده و برای آنها تعریف ارائه نداده است. کاربرد عنوان مقام برای موسیقی قومی به این معنا است که ما از پیش ساختار مدال موسیقی همه اقوام ایران را شناسایی و بررسی کرده و فصل مشترک مدال آن‌ها را تشخیص داده و آنگاه این عنوان عام را به سیستم همه آن‌ها اطلاق کرده‌ایم. درحالی‌که چنین نیست.» (ص ۱۲۷) در مباحث تاریخی کتاب نیز، برشی از بخش «موسیقی‌شناسی قومی – تاریخی: برداشتی از تاریخ بیهقی»، می‌تواند گویای عمق پژوهش‌های کتاب باشد: «در کتاب تاریخ بیهقی نوشته خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی اشاره‌های در خور توجهی به جایگاه موسیقی در دوران غزنویان شده که می‌توانند تا اندازه‌ای ما را به شناخت فرهنگ و جایگاه اجتماعی موسیقی در آن دوران رهنمون سازند. بیهقی، در لابه‌لای نمونه‌هایی که در این کتاب ارائه می‌دهد، تصویر اجراها و چگونگی اهمیت و موقعیت نوازندگان و مراتب دریافت صله را به ما می‌نمایاند. کاربرد موسیقی در شادی‌ها، جنگ‌ها، وفات حاکم خوارزم، درگذشت فرزند عمرو لیث در سیستان، ورود نماینده خلیفه به بارگاه سلطان مسعود، در محله شادی‌آباد غزنین، در رقص و پایکوبی مردمان در کنار رودخانه ترمذ در استقبال از سلطان مسعود و بسیار موارد دیگر حکایت از همه‌گیر بودن موسیقی در فرهنگ اجتماعی دارد. چنین کارکردها و رخدادهای متنوع موسیقایی را نمی‌توان در کنار یکدیگر جای داد؛ ازاین‌رو، مطالعه موسیقایی این کتاب روش خود را می‌خواهد. از یک سو متنوع و از سوی دیگر پیچیده است.

اشاره بیهقی به موضوعات موسیقایی گاه کوتاه است، مانند «کوس بکوفتند» یا «مطربان می‌زدند» یا «مطربان دست به کار بردند»، یا توصیفی از واقعه‌های تاریخی که نمونه آن رفتن امیر مسعود به ترمذ و پایکوبی زنان در کنار جیحون یا مراسم اجرای بوق و کوس و کاسه پیل در ورود رسول خلیفه بغداد به غزنین است. این گفته‌ها را نمی‌توان بی‌درپی به‌دنبال یکدیگر آورد یا بدون توضیحاتی موسیقی‌شناسانه آن‌ها را رها کرد. با وجود ارائه اندک اخبار موسیقی در منابع تاریخی، از درون این کتاب می‌توان چشم‌انداز موسیقی دوران غزنوی را هموار ساخت.» (ص. ۱۹۹)

کتاب تاریخی‌نگری موسیقی ایران با عنوان فرعی موسیقی‌شناسی قومی را که محسن حجاریان، به آن دختران شین‌آباد… تقدیم کرده است، ازسوی مؤسسه آبی پاریس (انتشارات پل فیروزه)، در ۳۲۶ صفحه، با شمارگان ۷۰۰ نسخه منتشر شده است.